

امید کاذب

چنانکه ملاحظه میشود، در این اواخر، تب انتخابات ریاست جمهوری افغانستان چنان بالا گرفته است که بر مبنای آن، گرد همایی ها، مهمانداریها، زد و بندها، پیوندها و پیمانهای عریان و پنهان درحلقات خاص قدرت طلبان جهادی- تنظیمی، تفنگداران، قوم پرستان و متنفذین فرصت طلب و نیز، تکنوکراتهای وابسته به اجانب، همچون دور باطل به شدت جریان دارد.

نبض اوضاع بیمارگونه کشور و جولان کفن کشان شناخته شده در صحنه سیاسی و میدان کاندیداتوری برای سال آینده چنین بر می آید که گویا هنوز هیچ گل امیدی در زمین انتظارات مردم افغانستان حتا نطفه نبسته، چه ماند به شگوفه زدن بهاری آن.

آقای کرزی، با در دست داشتن قدرت سیاسی، پشتیبانیه کافی مالی و تا کتیکهای تبلیغاتی اش در صدد سوء استفاده مکرر در جهت به کرسی رسا نیدن حواریون خویش است. همچنان، تعدادی از قلدران و تفنگداران دیروز، مشغول چانه زنی و تلاش غرض رسیدن به نان و نوای ارگ جمهوری آینده کشور میباشند، معامله گران جهادی - تنظیمی و جنایتکاران جنگی شناخته شده با سر دادن نعره های " الله اکبر" و نمایش درامه گونه به محل ثبت نام کاندیداتوری میروند، عناصر تکنوکرات و وابسته به لندن و واشنگتن در این بحبوحه، هم به میخ میکوبند و هم به نعل. و اما، آنانیکه نه چنان اند و نه چنین، یعنی نه از قماش قلدران و تفنگداران سابق هستند، نه خزینه و دفینه جهادی و غارتگری دارند و نه هم وابسته به قدرتهای خارجی میباشند، اگر جرأت حضور و پا نهادن در این میدان را از خود تبار دهند، مسلماً به کسانی خواهند ماند که میخواهند بدون قایق، دل به دریا زنند.

سروصدای کر کننده دیگری هم هست که صاحبان این سرو صدا ها میخواهند پروسه انتخاباتی در سال آینده " شفاف"، " دموکراتیک" و دور از تقلب باشد.

خوب، اولاً باید گفت که در یک جامعه جنگزده، بی سر و سامان، نا امن و شدیداً عقب مانده که در عین حال، با یک دولت کاملاً فاسد و ضد مردمی مواجه است، چگونه میتوان انتظار شفافیت در انتخابات و

نبود تقلب دران را داشت؟ باز، در افغانستانی که بخشهای متعدد آن متأسفانه در اختیار تروریستهای طالبی و خارجی قرار داشته و ساکنان مناطق متصرفه، در واقع، زندانیان فکری و مذهبی دهشت افغان مسلح اند، چسان انتظار داشت که انتخابات آینده سرتاسری باشد و حقوق مدنی و سیاسی شهروندان در این زمینه رعایت گردد؟

نکته مهم دیگر در عین حال اینست که گیریم معجزه یی صورت گیرد و پروسه انتخاباتی در سال آینده، شفاف و بدون تقلب پایان یابد، کسی که پس از آن، بحیث رییس جمهور افغانستان بر اورنگ قدرت حاکمه می نشیند، از چه صلاحیت و توانایی سیاسی، اداری و اقتصادی بر خوردار خواهد بود؟ چقدر خواهد توانست در انجام امور مملکت، بگونه ارادی و مستقل عمل نماید؟ از چه طرز تفکر سیاسی پیروی خواهد کرد؟ در برابر گروه های تروریستی مسلح و حامیان پیدا و پنهان آنها چه روش و سیاستی را اتخاذ خواهد نمود؟ با چه تضمینی خواهد توانست امنیت سراسری را تأمین، عدالت را تطبیق، نا بسامانی و فساد اداری را مرتفع و معضله بزرگ بیکاری و بی روزگاری اکثریت مردم را حل کند؟ باصراحت باید گفت که در میان بازیگران سیاسی و میدان انتخاباتی امروز افغانستان، هیچ فرد مستقل، مدیر، ملی، دلسوز و مردمی را سراغ نداریم و بنابراین، بر کلیه اقشار و لایه های اجتماعی جامعه افغانی است تا هرگز فریب الفاظ میان خالی، ریش و دستار و شکل و شمایل برخاسته از بستر جنگ و جنایت، وابسته گی و چاکری به اجانب را نخورند.

امروز، میهن لگدمال شده ما با هزار رشته، به مراکز و منابع استخبارات منطقه و جهان پیوند خورده است. مافیای قدرت و ثروت در داخل و گرگان استعماری در خارج، کلیه هست و بود حیات ملی ما را قبضه کرده اند. تا آنجا که حتا برای تبدیلی، برطرفی و مقرری کارمندان بلند پایه دولتی افغانستان دستور صادر میکنند و چه بسا که خواب تجزیه و تقسیم این سر زمین باستانی را نیز می بینند.

بنابراین، تا زمانیکه گروگانگیران جهادی - تنظیمی و شعبده بازان سیاسی - مذهبی دست از سر مردم برندارند، تا آنگاه که اکثریت محروم کشور متکی بخود و نیروی برحق خود نشوند و یک جبهه وسیع متشکل از عالمان، آگاهان، وطندوستان، ترقی پسندان، آزاده گان و عدالتخواهان را در برابر جبهه نا مردمان بوجود نیاورند و یک جنبش رهایی جویانه ضد استعماری و ضد تروریسم طالبی را براه نیندارند، هیچ هنگامه و حرکت ظاهراً انتخاباتی نمیتواند مشکل اساسی ملت ما را مرفوع سازد. (پایان)